

بازخوانی پرونده‌ی یک رسوایی قضایی نگاهی به رمان «کتاب دنیل»

تقدیرات

حمید نامجو



جولیوس و اتل روزنبرگ دادگاه فدرال را پس از متهم شدن به اتهام جاسوسی ترک می‌کنند.

منبع: Bettmann/Corbis

رمان «[کتاب دنیل](#)» دومین رمان «ادگار لارنس دکتروف» نویسنده‌ی نامدار آمریکایی که اولین بار در سال ۱۹۷۱ در آمریکا منتشر شد اکنون پس از ۵۰ سال به همت «سیاوش مسرور» به فارسی برگردانده شده است. مترجم به دلیل مشکلات و موانع نشر و پخش کتاب از جمله گرانی کاغذ، از حقوق خود صرف نظر کرده و کتاب را به رایگان در فضای مجازی منتشر کرده و دسترسی به آن آسان است.

ا. ال. دکتروف را اولین بار «نجف دریابندری» با ترجمه‌ی شاهکار او یعنی «رگتایم» و بعدها «بیلی بانگیت» به فارسی‌زبان‌ها معرفی کرد. دریابندری علاوه بر ترجمه‌ی کتاب‌ها، مقدمه‌ای مفصل در باب معرفی این نویسنده و ویژگی‌های ادبی آثارش نوشت. بعد از انتشار آن دو کتاب و استقبال خوانندگان فارسی‌زبان مترجمان دیگری نیز آثار دیگری را از دکتروف به فارسی برگرداند.

بن‌مایه‌ی رگتایم از یک منظر، تاریخ اجتماعی آمریکا در سال‌های اولیه‌ی قرن بیستم است. حقیقت عریان جامعه‌ی آمریکا در پشت ماسک‌ها و دکورهایی که سیاستمداران، بازرگانان، صاحبان صنایع، بانکداران، رسانه‌ها، نشریات، سازمان‌های تبلیغاتی و مدیران روابط عمومی به نمایش می‌گذارند. در واقع بازنمایی حقیقت نظام سرمایه‌داری آن‌گونه که هست نه آن‌گونه که بر صحنه‌ی نمایش دیده می‌شود. اما دکتروف کتاب دنیل را قبل از رگتایم و در سال ۱۹۷۱ منتشر کرد. او در این رمان عمیق و زیبا آن روی دیگر عدالت در سیستم قضایی آمریکا را به نمایش گذاشته است. کتاب دنیل در واقع واکاوی لایه‌ها و سویه‌های یک واقعه‌ی تاریخی است. واقعه‌ای که حدود ۲۰ سال پیش از زمان نگارش رمان در آمریکا اتفاق افتاد و هنوز بعد از گذشت سال‌ها شنیدن آن قلب هر انسانی را به درد می‌آورد. این رمان به تعبیری یک رمان تاریخی است. گفتنی است که خود دکتروف با اصطلاح رمان تاریخی مخالف بود گرچه همه‌ی رمان‌هایش بر مبنای یک واقعه‌ی تاریخی نگاشته شده‌اند؛ مثل دو رمانی که نام برده شد یا مثلاً رمان‌های «پیش روی» یا «هومر و لنگلی». او می‌گفت کدام رمان تاریخی نیست؟ به‌رحال آنچه او می‌نویسد روایت یک واقعه‌ی تاریخی در قالب رمان و یا به زبان داستان است.

عنوان کتاب دنیل به‌طور ضمنی یادآور «کتاب دانیال» یا «مزامیر دانیال» به‌عنوان بخشی از «عهد عتیق» است که زندگی‌نامه‌ی دانیال نبی در حکومت بابلیان (بخت‌النصر) و به‌نوعی روایت بخشی از رنج‌های اوست. اما در این رمان «دنیل» پسر «روشل و پل آیزاکسن» است. این رمان چهار فصل یا به عبارت دقیق‌تر چهار کتاب دارد که به ترتیب «روز یادبود»، «هالوین»، «ستاره‌ی دریایی» و «کریسمس» نام‌گذاری شده است.

آغاز رمان از زبان دنیل، ماجرای حضور او به همراه همسر و کودک پنج ساله‌اش در یک تظاهرات دانشجویی بر علیه ادامه‌ی جنگ ویتنام در اواخر دهه‌ی ۶۰ میلادی است و البته به موازات آن ماجرای خودکشی خواهر جوان‌ترش «سوزان» که در همان وقت در یک بیمارستان روانی بستری است. در ادامه او نقبی به گذشته می‌زند. به زمانی که کودکی بیش نبوده که پدرش پل (صاحب مغازه‌ی تعمیرات رادیو) و بعدها مادرش روشل (خانه‌دار)، ساکن محله‌ی «برانکس» در نیویورک، به اتهامی واهی یعنی جاسوسی برای شوروی توسط «اف بی آی» دستگیر و زندانی می‌شوند و این دو بچه‌ی خردسال به یک دارالایتام به‌نام «سرپناه» سپرده می‌شوند. تصویر زندگی این دو کودک در آن جهنم سرپناه، اقدام به فرار و دستگیری و بازگرداندن آنان به‌نوعی یادآور داستان «اولیور تویست» اثر «چارلز دیکنز» در یک‌صد سال قبل از آن ماجراست. پدر و مادر دنیل و سوزان بعد از تحمل بازجویی‌های طولانی، توسط دستگاه قضایی محاکمه و برمبنای شهادت‌های دروغ فردی بنام «میندیش» (یک مهاجر یهودی لهستانی که ظاهراً دندانپزشک و دوست خانوادگی آیزاکسن‌ها بوده) و یک مجرم زندانی که هیچ‌کس با آن دو نفر نداشته، به مرگ محکوم شده و اعدام می‌شوند. تظاهرات و اعتراضات مکرر مردم و تقاضای تجدید محاکمه بی‌فایده است. دستگاه قضایی آمریکا که وظیفه‌اش حفظ و صیانت حقوق شهروندان است رسالت خود را، در دوران مک‌کارتی و در همراهی با مضحکه‌هایی که او راه انداخته بود، شناسایی و قلع‌و‌قمع کمونیست‌ها می‌دانست. به‌خصوص که در دوران جنگ سرد بعد از آزمایش بمب اتمی توسط روس‌ها و آغاز رقابت‌های تسلیحاتی، قدر قدرتی آمریکا و اعتبارش به‌عنوان قدرتمندترین ارتش دنیا مورد تردید قرار گرفته بود. هیئت حاکمه در آمریکا که روس‌ها را کندذهن

تصویری کرد، از این خبر برآشفت. آمریکا مطمئن بود که اطلاعات ساخت بمب اتم توسط جاسوس‌های شوروی دزدیده شده و به مسکو رفته است و اکنون عامل یا عاملین آن باید شناسایی و با انگ خیانت اعدام شوند. دستگاه قضایی دنبال گردنی برای طناب دار خود می‌گشت. به همین دلیل مظنون اول اعضا و هواداران حزب کمونیست بودند که لابد بنا به رسالت حزبی خود جاسوسی می‌کردند. و در این میان قرعه به نام زن و مرد جوانی افتاده بود که در دوران دانشجویی کمونیست شده بودند و البته یهودی هم بودند. یهودیانی که وطن برایشان بی‌معناست و هرکاری از آنان ساخته است. پل آیزاکسن پیش از آن هم در هنگام بازگشت از کنسرت یک خواننده‌ی سیاه‌پوست و هجوم اوباش و گروه‌های فشار به اتوبوس آنان دستش شکسته بود. و این‌ها مدارک کافی برای محکومیت و اعدام این زن و مرد بودند. سایر اطلاعات موردنیاز را هم ابتدا به میندیش با وسوسه‌ی گرفتن مجوز اقامت دائم در آمریکا حقه کرده و سپس در قالب اقرار و شهادت از زبان او گرفته بودند.

در صحنه‌ای از این رمان ما جد و جهد «اشر» وکیل آیزاکسن‌ها را می‌بینیم که دستان این دو کودک هشت و چهار ساله را گرفته و به دنبال خود می‌کشد تا به جایگاه سخنرانی یک گردهمایی خیابانی ببرد و به تظاهرکنندگان این دو کودک را به‌عنوان شاهد بی‌گناهی آیزاکسن‌ها به مردم نشان دهد. اما هیچ‌کدام از تلاش‌های او موفقیتی در پی ندارد. بعد از اعدام آیزاکسن‌ها کفالت این دو کودک پس از مدت‌ها سرگردانی در نهایت به یک استاد دانشگاه حقوق و همسرش داده می‌شود. گرچه این دو نفر بچه‌ها را با محبت و از خودگذشتگی تروخشک می‌کنند تا بزرگ شوند و دنیل تحصیلات دانشگاهی‌اش را به اتمام می‌رساند، اما داغ این ظلم آشکار و سبانه هرگز از یاد دنیل و خواهرش پاک نمی‌شود. در اواخر رمان، دنیل بعد از این‌که خواهرش دوباره موفق به خودکشی می‌شود با هواپیما به کالیفرنیا پرواز می‌کند تا از میندیش بپرسد چه کسی او را وادار کرده بود در دادگاه علیه پدرش اعتراف کند و آنان را به‌دروغ به جاسوسی متهم کند؟

هدف دنیل از رفتن به کالیفرنیا و ساعت‌ها تهدید و خواهش و بحث و گفت‌وگو با دختر میندیش یافتن آدرس محل زندگی پیرمرد است. دختر میندیش بعد از راضی

شدن او را به دیدن پدرش در شهرک «والت دیسنی» می‌برد. به نوعی این دیدار نقطه‌ی اوج رمان است. او با پیرمرد که اکنون به کودکی کهن‌سال تبدیل شده در حالی مواجه می‌شود که در لابلای اسباب بازی‌ها، ماشین‌های بدون فرمان، اسب‌های چوبی که در دایره‌ای بسته می‌چرخند، عروسک‌ها، غارهای دست‌ساز مقوایی و کشتی سندباد پلاستیکی، سرگردان و ذوق زده می‌دود و «میلک‌شیک شکلاتی» یا بستنی «میکی موس» می‌خورد و خوشحال و شادان می‌خندد. شهر پریان والت دیسنی به‌نوعی پارودی «رؤیای آمریکایی» است و میندیش در برابر اقرارهای دروغی که به اعدام پدر و مادر دنیل منجر شده است اجازه‌ی زندگی در این شهر رؤیایی اما بنجل را به دست آورده بود.

هم‌چنان که اشاره شد این رمان بر مبنا و بر زمینه‌ی یک واقعه‌ی تاریخی طرح‌ریزی شده و انکشاف یافته است. آنچه از زندگی و سرگذشت آیزاکسن‌ها و دوفرزندشان نقل شد کاملاً آشکاراست که خانواده‌ی آیزاکسن‌ها همان خانواده‌ی «روزنبرگ‌ها» هستند. «ژولیوس و اتل روزنبرگ» که در سال ۱۹۵۳ و در حالی که به ترتیب ۳۵ و ۳۷ ساله بودند به اتهام خیانت به کشور و ارسال مدارک بمب اتمی به روسیه اعدام شدند. تنها مدرک به‌دست آمده از ژولیوس نقشه‌ی ساخت تفنگی مانند ژ۳ بود که بر روی کاغذ طراحی کرده بود. اما آنچه دستگاه قضایی آمریکا را متقاعد کرد دو ویژگی بلاتردید این دو نفر بود. اول یهودی بودن که از نگاه ناسیونالیست‌ها به معنای بی‌وطنی است و دومی عضویت در سازمان جوانان حزب کمونیست آمریکا. گفتم که دولت آمریکا بعد از آزمایش اتمی شوروی چون روس‌ها را احمق می‌دانستند دنبال عاملی می‌گشتند که اطلاعات اتمی را از آمریکا دزدیده و به روسیه تحویل داده است. ژولیوس مهندس برق بود و برای گذران امور خانواده‌ی چهارنفری در محله‌ی برانکس مغازه‌ی تعمیرات رادیو داشت. آن دو در دوران حبس و بازجویی به چیزی اقرار نکردند. چون واقعاً چیزی وجود نداشت. حزب کمونیست نیز نتوانست از آنان دفاع کند چون دوران شلتاق کردن مک کارتی بود و حزب و کمونیست‌ها به‌شدت تحت فشار بودند. آنچه در صحن دادگاه به هیئت منصفه عرضه شد یک نمایش ساختگی با حضور همان دو شاهد بود. هیچ امر تحقق یافته‌ای به‌عنوان مدرک جرم در میان نبود اما نقش و شخصیت دادستان و قضات

و شهود در این نمایش به طریقی طراحی شده بود که گویی اطلاعات مهم اما غیرعلنی ردو بدل شده است و این نمایش هیئت منصفه را که همگی در شور «کمونیست کشی» غرق بودند متقاعد کرد و رأی به محکومیت آنان دادند. جالب است که کارگردان آن نمایش مضحک هنوز زنده و به نوعی معلم و پدر معنوی «دونالد ترامپ» محسوب می شود. گرچه تاریخ تکرار نمی شود اما رشته های اتصالش به گذشته نیز قابل پنهان کردن نیست.

درباره ی پرونده ی روزنبرگها تحقیقات زیادی انجام شده است. گروهی آنان را متهم و مستحق مجازات دانستند و گروه بیشتری نقایص آشکار این پرونده را برملا کرده و آنان، به خصوص اتل را از هرگونه اتهامی مبرا می دانند. (تنها فرزند در قید حیات آنان توانست در آخرین روزهای ریاست جمهوری باراک اوباما از او برای مادرش فرمان اعاده ی حیثیت بگیرد). این پرونده یعنی اتهام خیانت و اعدام در تاریخ آمریکا به خصوص در قرن بیستم تقریباً بی سابقه است. گرچه در این محاکمه ی ناعادلانه پروپاگاندهای تبلیغاتی بر نتیجه ی تحقیقات قضایی تأثیر گذاشت و زمینه ی قتل این دونفر را فراهم کرد. ماجرای محاکمه و اعدام روزنبرگها لکه ی سیاهی است بر پیشانی دستگاه قضایی آمریکا که نه تنها به مرور زمان کم رنگ تر و کوچک تر نشده بلکه برعکس بر اثر تحقیقات مکرر تاریخ پژوهان و بازخوانی دوباره و دوباره ی پرونده، آن لکه ی سیاه پررنگ تر و بزرگ تر شده و صورت سفید و زیبایی فرشته ی عدالت در آمریکا را زشت و کریه المنظر ساخته است. «ژان پل سارتر» این محاکمه ی قلابی و اعدام بی رحمانه را «لینچ کردن» نامید. (مراسم زجرکش کردن وحشیانه ی سیاهپوستان البته بدون محاکمه و محرز شدن جرم توسط سفیدپوستان، که تا همان سال های دهه ی ۱۹۶۰ هنوز در جنوب آمریکا اتفاق می افتاد).

رمان کتاب دنیل در واقع پی جویی زندگی و سرگذشت فرزندان روزنبرگها بعد از این ماجراست. از قبل از دستگیری پدر و مادرشان تا زندانی شدن و برگزاری دادگاه و صدور حکم اعدام تا دو سال انتظار آنان برای نشستن بر صندلی الکتریکی و البته شرح مقاومت و ایستادگی این زن و مرد بر سر آرمان هایشان که خواهان عدالت و رفاه برای طبقات فرودست در آمریکا بودند. دستگاه قضایی و اف بی آی چنان این دو را محاصره

کرده بودند که هیچ راهی برای رهایی نداشته باشند. بخش‌های زیادی از داستان از زمان زندگی این خانواده کوچک تا زندگی در «سرپناه» در محله‌ی برانکس می‌گذرد. انگار به تعبیر مترجم شخصیت اصلی این رمان درواقع محله‌ی برانکس در نیویورک است. دکتروف همانند «بیه‌لی» که شخصیت اصلی رمانش شهر «پترزبورگ» بود یا «جیمز جوینس» که بازهم شخصیت اصلی رمان «اولیس» شهر «دوبلین» است، سرنوشت این دو کودک را در برانکس غربی و شرقی دنبال می‌کند.

روایت این رمان گاهی از منظر اول شخص و گاهی از منظر سوم شخص است. این تغییر و جابه‌جایی مداوم صدای راوی صرفاً یک تکنیک قصه‌نویسی پسامدرن نیست بلکه بیانگر تکه‌پاره‌شدن درک دنیل از خودش و برملاکننده‌ی بحران وجودی، دغدغه‌ها، بی‌قراری‌ها و فروپاشی شخصیت اصلی داستان و حضور گریزناپذیر او در جریان روایت داستان است. علاوه بر داستان محوری رمان، خرده‌روایت‌های بسیاری در این رمان هست که بر غنا و کشش آن افزوده است. در این رمان با شخصیت‌های متنوع و عجیب و غریبی مواجه می‌شویم که بیانگر آدم‌های فراموش‌شده و بی‌فردایی هستند که در همین نزدیکی و در کنار ما زندگی می‌کنند و به هیچ هم گرفته نمی‌شوند.

دکتروف به‌عنوان نویسنده قصد ندارد بر نگره و داوری خواننده تأثیر بگذارد. حتی با راوی هم همدردی ندارد. با این حال تمام اشخاص با نگرش‌های مختلف و همچنین اتفاقات بسیاری را که مستقیم و غیرمستقیم بر افکار متولیان امور و طرز نگرش رهبران و قدرتمندان مؤثر بوده یا در هدایت افکار عمومی نقش داشتند یک‌به‌یک احضار می‌کند تا نشان دهد که این فاجعه حاصل ترکیب چه عناصری است. گاهی خواننده دلیل نام‌بردن از فلان کتاب یا فلان اتفاق و ارتباطش با موضوع محوری رمان را در نمی‌یابد، اما وقتی عمیق‌تر نگاه کنیم می‌بینیم حضور یا احضار هیچ فرد یا ماجرای در این رمان اتفاقی نیست. بلکه برای برساختن آن شاکله‌ی کلی اثر و انگاره‌ی مورد نظر نویسنده ضروری است. بدیهی است که نکات بسیاری نیز ناگفته مانده است. به‌خصوص نکاتی که بعد از نگارش رمان از این پرونده برملا شد. نگارش رمان‌های تاریخی همیشه ممکن است با چالش تازه‌ای بعد از انتشارشان مواجه شوند. با این همه، این مسئله از ارزش‌های

این رمان به‌عنوان یک اثر ادبی نمی‌کاهد. به این جملات در صفحه ۲۲۰ کتاب توجه کنید:

«خیانت تنها جرم تعریف شده در قانون اساسی آمریکا سرشت‌نمای استبداد سیاسی تحت حکومت پادشاهان استوارت و تودور بود... ابزاری که حاکم بتواند جناح مخالف را محو و بر ثروت خود بیافزاید».

«پیگرد خیانت چون جادوگری یک صنعت بود و بنیان‌گذاران کشور ما بی‌نهایت مراقب بودند که به‌واسطه‌ی قوانین مبهم خیانت، نظامی استبدادی برقرار نشود... زیرا طبق قوانین بریتانیا خودشان خائن محسوب می‌شدند»

«خیانت در قالب یک فعل تعریف شد... یعنی اقدام به جنگ علیه آن. هیچ فردی نباید به خیانت محکوم شود مگر طبق شهادت دو نفر یا اعتراف در دادگاه علنی. این تعریف از سوی کنوانسیون قانون اساسی بر آن بود که ممکن نباشد خیانت را به نحو دیگری تعریف کرد»

واقعیت این است که در دادگاه روزنبرگ‌ها، نه شهادت شاهدان زندانی تطمیع‌شده و تحت فشار، ارزش و اعتبار قضایی داشت و نه آن‌ها به خیانت اعتراف کردند. با این حال آن دو نفر با همین اتهام اعدام شدند.

مترجم علاوه بر ترجمه‌ی این رمان مقدمه‌ای بسیارخواندنی از «جاناتان فریدلند» به این کتاب افزوده است. مقدمه‌ای که احتمالاً سی سال بعد از انتشار چاپ اول کتاب نوشته شده و ضمن اشاره به ارزش‌های هنری و ادبی رمان، تأثیر گذر زمان را بر این رمان بازبینی کرده است.

به‌رغم آنکه دکتروف نویسنده‌ای آسان‌یاب نیست اما ترجمه‌ی کتاب دنیل ترجمه‌ای روان و قابل‌قبول است. به‌خصوص همت بلند مترجم که ترجمه‌ی کتاب را رایگان در دسترس دوستداران رمان قرار داده شایسته‌ی تقدیر است.